

سُورَةُ النَّحْلِ ١٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
أتیٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ



امر و فرمانیست حتمی از خدا که به موقع آن بگردد بر ملا
پس نیارید بر ظهور آن شتاب حکم یزدانی بیاید بر حساب
هست منزّه آن خداوند ملّیک زانچه می‌گیرند بهر او شریک
يُنْزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ



حق ملائک را به همراهی روح می‌فرستد هر که را خواهد فتوح
تا دهند اندرز بر مخلوق علن که نباشد هیچ خدایی غیر من
پس پرهیزید از من در عقاب زانچه را گفتند از آیات ناب
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ



خلق بنمود آسمان‌ها و زمین که همه از روی حق بوده یقین
برتر و والاتر است ذات خدا زانچه که گیرند شریکش از خطا
خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ

آفرید از نطفه انسان را خدا تا که نسلش در جهان یابد بقا
 آدمی لیکن زِ جهل در روزگار دشمنی بنمود و خصمی، آشکار
 وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

چارپایان بهرتان حق آفرید تا منافع نیز زِ حیوانات برید
 دفعِ سرما از تن و از جانتان همچنین خوردن زِ حیوان رزقتان
 وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ

هم زِ آنها زینت و آرایش است بهر پوشش، البسه آسایش است
 سوی مرتع صبح می‌آرند گام بازگردند از چَرّا نیز وقتِ شام
 وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لِّم تَكُونُوا بِالْغِيَةِ ۚ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

بارتان را که بود سنگین همی حمل سازند هر کجا و هر دمی
 هر کجا خواهید، هر شهر و دیار که خودتان عاجزید از حملِ بار
 جز مشقت هیچ نتوانید بُرد این‌چنین بارِ گران منزل سپرد
 ربتان، آن ذاتِ یکتای کریم مهربان باشد به مخلوق و رحیم

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ۚ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

آفرید حق، قاطر و اسب و حمار بهر زینت، هم سواری، کسب و کار
چیزهای دیگری در خلقت است که ندارید علم آن و حکمت است
وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهْدَاكُمْ أَجْمَعِينَ



بر خدا باشد بیانِ راهِ راست برخی راه‌ها، راهِ کج و نارواست
گر خدا می‌خواست، شما در زندگی می‌شدید با جبر هدایتِ جملگی
هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً^ط لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ



آن خدایی کز سماوات و سحاب آب فرستد تا شما نوشید شراب
هم از آن روید نباتات و ثمر برگ و سبزی بهر احشام مستمر
يُنَبِّتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ^ط إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ



کشتان رونق پذیرد هر قبیل هم ز انگور و ز زیتون و نخیل
این‌چنین آیاتی که گردیده ذکر می‌برد اهلِ خرد را سوی فکر
وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ^ط وَالنَّجُومُ^ط مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِ^ط إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ



کرده است رام و مُسخَرِ ربّتان روز و شب‌ها را همه از بهرتان
همچنین خورشید و ماه و اختران تحت امر و هم مُسخَرِ کهکشان

این چنین آیاتِ حق این سان عیان هست نشانه از برای عاقلان

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

﴿۱۳﴾

هم ظهور داد بهرتان اندر زمین رنگ‌های گونه‌گون و دلنشین
صنع و آیاتِ الهی هست پدید بهر آن که ذاکرست و اهل دید

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى
الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

﴿۱۴﴾

بحر را هم رام بنموده خدا تا خورید انواع ماهی‌ها شما
بهر تزیین لباس آرید به کف از دلِ دریا زِ مرجان و صدف
کشتی اندازید به دریا روز و شب رزق طلب آرید از الطافِ رب
بر شما لازم بود که آشکار شکر بی‌حد آورید بر کردگار

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

﴿۱۵﴾

در زمین کرد کوه‌هایی استوار که نگردید مضطرب، یابید قرار
تا بگردد جاری آب از کوه‌ها جویباران ساخته و هم نهرها
راه‌ها بنمود قرار بهر نشان تا مگر یابید هدایت در جهان

وَعَلَامَاتٍ ۚ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ

﴿۱۶﴾

هم علامت‌های خاصی طیّ راه تا جهت‌ها هیچ نگردد اشتباه

انجمنی که در سماء هست مستقر رهنما باشند اندر بحر و بر
أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

﴿۱۷﴾

این چنین خالق، مانند کسی است؟ که نباشد قادر او بر مرگ و زیست؟
پس شما از این چنین آیات و ذکر برنمی آید تعقل روی فکر؟
وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۱۸﴾

گر بخواهید آورید اندر شمار کل نعمت های ذاتِ کردگار
کی توانید بشمرید، جز اندکی از هزاران، بر حساب آید یکی
هست بخشنده، غفور و مهربان ذاتِ پاکِ کردگار، ربِّ جهان
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

﴿۱۹﴾

آگه است و باخبر او بی گمان هر چه دارید در نهان و در عیان
وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

﴿۲۰﴾

هر کسی را که به جز حق در جهان خوانده اید از شرک او را ربتان
نیستند قادر که چیزی خلق کنند زان که خود مخلوق ذاتِ حق بوند
أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

﴿۲۱﴾

مرده‌اند و جملگی گشته مَمَات نیستند زنده، نمی‌دارند حیات
هم نمی‌دانند و عاری از شعور آخرت کی می‌رسد اندر ظهور
إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۖ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

﴿۲۲﴾

رَبِّتان ایزد، خدای واحد است ذاتِ یکتای غنی و شاهد است
پس کسانی که به دورِ زندگی منکرِ روزِ حسابند جملگی
بوده مستکبر و جمع سرکشان منحرف گشته زِ راهِ ربّشان
لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ

﴿۲۳﴾

آگه است از حالشان ربّ جهان گر عیان باشد و یا سرّ نهران
دوست ندارد ذاتِ ایزد بالیقین سرکشان و جمله‌ی مستکبرین
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَّاذَا أُنْزِلَ رَبِّكُمْ لَا يَقَالُوا إِلَّا طَيْرُ الْأَوَّلِينَ

﴿۲۴﴾

گر ز ایشان بازپرسند، ربّتان او چه چیز نازل بیاورد بهرتان؟
از تمسخر نیز می‌گویند که آن بوده بر ما قصّه‌ی پیشینیان
لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ أَلَا سَاءَ مَا
يَزُرُّونَ

﴿۲۵﴾

حملِ این بارِ گناه در حدّ تام می‌کشند این جاهلان، یوم‌القیام
همچنین بارِ گناه آن کسان که زِ جهل گمره نمودند در جهان

این سرانجام می‌رساند بر تباه بار سنگین می‌شود این‌سان گناه

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ
أَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

﴿۲۶﴾

مکرها هم می‌نمودند ماسبق تا کنند پامال خود آیات حق
حکم ایزد صادر آمد بس گران که گند زیر و زبر بُنیانشان
منهدم گردید ز پایه هر چه بود سقف‌ها ویران بشد از تار و پود
ناگهان گشتند گرفتار عذاب که نفهمیدند چطور آمد عِقاب

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ

﴿۲۷﴾

در حضور تا که رسند روز شمار حق نماید جملگی رسوا و خوار
با عتاب گوید خداوند، خشم‌گون هان! کجا هستند شریکانم کنون؟
آن شریکانی که از روی خلاف جنگ کردید و فکندید اختلاف
پس بگویند اهل دانش و خرد که زند بر کافران، حق دست رد
هست رسوایی در این روز عظیم سخت فرجام، بهر کفار لثیم

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ
عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿۲۸﴾

آن کسانی که ملائک روی زور جانشان گیرند، برند بر سوی گور
اندر آن حالی که ظالم مانده‌اند بس ستم‌هایی که بر خود کرده‌اند
می‌شوند تسلیم و می‌گویند زار ما نکردیم بد چنین در روزگار

در جواب آید، بلی ای جاهلان! هر چه کردید آگه است ربّ جهان

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

﴿۲۹﴾

پس شوید وارد ز درهای جحیم در جهنّم جاودان مانید مُقیم
از خداوند این چنین حکمی رواست یعنی که اهل تکبر را سزاست

﴿۵﴾ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ

﴿۳۰﴾

گر ز قومی که بوند پرهیزکار بازپرسند این سؤال را آشکار
ربّتان نازل چه کرد در روزگار؟ جمله نیکویی بگویند بی شمار
نیکویی کردند و نیکو کرد خدا اندر این دنیا عوض هایی به جا
لیک اندر آخرت اجری گران که بود بهتر ز اجرِ این جهان
هست مجلّل خانه های مُتّقین هر که باشد اهل تقوا و یقین

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ

﴿۳۱﴾

جنتِ عدنی که می آیند در آن جویباران زیر آن باشد روان
هر چه خواهند اندر آنجا اجمعین هست مهیا بهر ایشان دلنشین
این چنین اجرِ عظیم بر مُتّقین می دهد ایزد ز الطافِ مُبین

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿۳۲﴾

آن کسان که، تا بگردند قبضِ روح از ملائک که بوند پاک بالوضوح
 گفته ایشان را خوش آمد با سلام در بهشت آیید، قرار آرید مدام
 زانچه می کردید بر نیکی عمل این بودِ اجری زِ ذاتِ لم یزل
 هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

﴿۳۳﴾

منتظر باشند کفار بالوضوح؟ تا ملائک آمده بر قبضِ روح؟
 یا که فرمان آید از پروردگار؟ که ببینند خواری اندر روزگار؟
 این چنین کردند اقوامی زِ پیش کافرانی جاهل و آلوده کیش
 ظلم نکرد ایزد به آنها بیش و کم بلکه بر خود می نمودندی ستم

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

﴿۳۴﴾

تا رسید وقتِ جزای کارشان هر پلیدی که نمودند در جهان
 آن عذابها را که کردند مسخره کرد احاطه جملگی را یکسره
 وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبْدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

﴿۳۵﴾

مشرکان گویند که گر ربّ جهان او همی می خواست هدایت بهرمان
 کی چنین ما می پرستیدیم بُتان؟ یا که قبل از ما، پدر هم جدّمان
 پیشِ خود چیزی نمی کردیم حرام جز مگر از حکم حق در حدّ تام
 این چنین عذر هم بگفتند ماسبق قبل از ایشان مشرکانِ ذاتِ حق
 نیست تکلیف بر رسولان اجمعین جز مگر بر مردمان ابلاغِ دین

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ۖ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ ۖ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

﴿۳۶﴾

بهر هر قومی فرستادیم رسول
که پرستید حق تعالی از صواب
جمعی از مخلوق ز قولِ رهنما
پاره‌ای نیز منحرف از راه حق
تا کنند ابلاغ بر آنها این اصول
هم ز طاعت رفتن بر سوی خدا
راه طاعت رفته بر سوی خدا
بر تباهی و ضلالت مستحق
پس شما سیر آوريد اندر زمین
بنگرید فرجام قوم کاذبین

إِنْ تَحَرَّصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يَضِلُّ ۖ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ

﴿۳۷﴾

گر که مشتاقی شدیداً ای رسول!
دان که بهر گمراهانِ روسیاه
که هدایت را کنند از تو قبول
نیست نصرت یا هدایت از اله
وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ ۚ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ ۚ بَلَىٰ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِن أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

﴿۳۸﴾

بر خدا خوردند سوگند باثبات
آری، برخیزند همه بی‌اختلاف
که نباشد بعدِ مرگ دیگر حیات
لیک اکثر مردمان ناآگهند
وعده‌ی حق بر قیام نبود خلاف
اندر این امرِ مهم هم جاهلند

لَيَبَيِّنَنَّ لَهُمْ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلَيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ

﴿۳۹﴾

تا عیان سازد به ایشان آشکار
نیست خلاف در وعده‌ی پروردگار

هم بفهمند کافران بی فروغ بوده استدلال ایشان بس دروغ

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

﴿۴۰﴾

قول ما نافذ بود اندر جهان گر به چیزی امر آریم هر زمان
شیئی را گوئیم کنون شو برقرار بر وجود آید ز این امر، آشکار

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوِّنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَلَآجِرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

﴿۴۱﴾

آن کسان که در ره پروردگار هجرت از خانه نمودند و دیار
بعد از آنکه در بلاد، اهل ستم ظلم‌ها کرده به ایشان پشت هم
در جهان بیند لطف و مغفرت اجر ایشان بهتر است در آخرت
گر بگردند آگه از آن در جهان که چه سان پاداش باشد بهرشان

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

﴿۴۲﴾

آن کسان که صبر کردند بالمال هم توکل بر خدای ذوالجلال

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ ۚ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

﴿۴۳﴾

پیش از این ما نی‌فرستادیم نبی جز مگر مردی ز جنس آدمی
وحی کردیم سویشان آیات دین بر سوی پیغمبران روی زمین
گر نمی‌دانید، بپرسید زان کسان که بوند ذاکر به ذات مُستعان

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزَّبْرِ ۖ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

بر رسولان ما بدادیم بیّنات از کتاب و همچنین از معجزات
 بر تو نازل کرده ما آیاتِ ناب که بیان آری به مردم از کتاب
 زانچه نازل گشته بنما تو بیان تا مگر در فکر آیند مردمان

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

آن کسانی که بکردند مکرها سیّئات و حيله‌ها در کارها
 فکر آیا می‌کنند که ایمنند؟ این گروه جاهلان بس غافلند
 حق کند ایشان به قعرِ خاک فرو می‌شوند با قهر ایزد روبه‌رو
 آن‌چنان بینند به ناگه بد عقاب که ندانند از کجا آمد عذاب
 أَوْ يَأْخُذْهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

یا گریبان‌گیر شوند اندر ذهاب در سفر بینند از ایزد عقاب
 قاصرند که وارهند زین ماجرا هم نگردند غالب بر قهرِ خدا
 أَوْ يَأْخُذْهُمْ عَلَىٰ تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

یا ببینند وحشتی پُرپیچ و تاب خوف و ترسی که ببخشد اضطراب
 ربتان باشد رئوف اندر جهان بر همه مخلوقِ عالم مهربان
 أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ

هیچ ندیدند این اثر را در جهان؟ تا که شیئی چون بیاید در میان
می‌فرستد هر طرف سایه ز خویش سایه‌ها در حالتِ سجده به پیش
راست و چپ ظاهر شود اندر خشوع می‌نماید سجده‌ی حق با خضوع

وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

سجده آرند بر خداوندِ جهان هر چه باشد در زمین و آسمان
بی‌تکبر، کلّ موجود تک به تک از همه جنبنده‌ها و هم ملک
کرده سجده بر عبادت در کمال کبر نورزند بر خدای ذوالجلال

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٤٩﴾

ترسشان باشد ز رب و کردگار که ز بالا ناظر است بر کلّ کار
آوردند اجرای هر امری ز او هر چه را فرموده ذاتِ پاکِ هو

﴿٥٠﴾ وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونَ

حق تعالی^۱ گفت هرگز دو خدا هیچ نگیرید بهر خود، باشد خطا
نیست جز آنکه احد باشد اله پس بپرهیزید به من آرید پناه

وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا ۖ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ

مالک است بر آسمان‌ها و زمین همچنین مالک بود ایزد به دین
 پس شما ترسید اندر روزگار؟ از خدای دیگری جز کردگار؟
 وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأُرُونَ ﴿٥٣﴾

هر چه نعمت دارید از ذاتِ خداست چون رسد دردی شما را که بلاست
 با خضوع خوانید خدا بارِ دگر زان بلایا که همی دیدید ضرر
 ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾

تا که سختی از شما برداشت او فرقه‌ای بر شرکِ حق آرند رو
 لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾

کفر ورزند عده‌ای بی‌ترس و بیم بر هر آنچه ما زِ نعمت داده‌ایم
 منتفع گشته کمی در روزگار لیک بدانند زود آن فرجام کار
 وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ قُلْ تَاللَّهِ لَتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتُرُونَ ﴿٥٦﴾

مشرکان از جهل و افکارِ پریش می‌دهند بهرِ خدایان رزقِ خویش
 بر خدا سوگند، زین کارِ پلید بازخواستی می‌شوند ایشان شدید
 وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ﴿٥٧﴾

هم بخوانند بهر ایزد دختران گر چه می‌باشد مُنْزَه مستعان
آنچه را خوانند ز روی میلشان می‌دهند تطبیق آن بر نفسشان

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ أَظْلَ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

﴿۵۸﴾

گر خبر آید به سوی جاهلان که نصیبش گشته دختر در جهان
صورتش گردد سیاه از روی جهل تندخویی‌ها کند آن نابه‌اهل

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۚ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

﴿۵۹﴾

رو کند پنهان ز قوم بی‌گفتگو زان که بوده این خبر، بد بهر او
در تفکر می‌رود سخت و گران تا چه تدبیری کند در کار آن
دخترک با خواری او دارد نگاه؟ یا کند دفن، زنده در خاک سیاه؟
این عمل و داوری این خسان بد بود بسیار نزد عاقلان

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوِّ ۚ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

﴿۶۰﴾

هست وصف آن کسان بدصفت که ندارند اعتقاد بر آخرت
زشتی و ناپاکی و رجس گران چون پلید هستند جمیع منکران
وصف اعلیٰ هست خاصِ کردگار آن عزیز و آن حکیم، پروردگار

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً ۚ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

﴿۶۱﴾

گر بگیرد انتقام، حق در زمین هیچ جنبنده نماند بالیقین
 یک تأمل آورد در انتقام تا شود مهلت ز وقت آن تمام
 نیست تأخیری و تعجیلی در آن چون اجل آید به وقتش هر زمان
 وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ ۚ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ
 وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ

﴿۶۲﴾

آنچه را اکراه دارند آن فرقی می‌دهند نسبت به ذات پاک حق
 با وجودی که بگویند این دروغ انتظار بر خیر دارند و فروغ
 یک آتش هست ایشان را سزا می‌روند زودتر به دوزخ بر جزا
 تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ
 عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۶۳﴾

بر خدا سوگند، فرستادیم سبق رهنمایان و رسولانی ز حق
 آمدند با حکم ایزد بر اُمم که همه ماقبل تو بودند هم
 داد ابلیس کار بد آن‌سان نشان که بدیدند جمله زیبا کارشان
 یاورشان هست امروز آن لئیم سهمشان باشد عذاب‌های الیم
 وَمَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا التَّبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

﴿۶۴﴾

نی فرستادیم بر تو این کتاب جز بیانی بر حقیقت‌های ناب
 بهر آنان که نمایند اختلاف وعده‌ی ایزد نمی‌باشد خلاف
 بر گروه مؤمنان و اهل دین رهنما و رحمتی باشد یقین
 وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

حق فرستد ز آسمان آبی روان تا ببخشد بر زمینِ مرده جان
 در چنین آیت نشانی هست پدید بر کسی که گوشِ جانِ او شنید
 وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۖ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا
 لِلشَّارِبِينَ

هم بود از چارپایان بهرتان عبرتی از آیه‌های حق نشان
 بر شما عرضه بدارند از بطون شیرِ خالص از میانِ پیه و خون
 تا بیاشامند شیر، نوشندگان که گوارا هست و قوتِ اندر آن
 وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ
 يَعْقِلُونَ

هم ثمرهایی ز انگور و نخیل که فراگیرد درختان را جمیل
 تا شرابِ ناب سازید بهرِ خویش همچنین رزقِ حلال آورده پیش
 بس علامت‌ها در آن گردیده ذکر نزدِ اهلِ معرفت، هم اهلِ فکر
 وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ

وحی فرمود ذاتِ پاکِ لم یزل سوی زنبوری که می‌سازد عسل
 که بسازد خانه از بهرِ گروه بر درختِ مرتفع یا روی کوه
 ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۚ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ
 أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

پس خورید از آن ثمرهای گیاه آورید یاد، ربتان را طیّ راه
 شربتی از بطنشان آید برون انگبین بوده به رنگِ گونه‌گون
 مردمان را آن عسل باشد شفا بهر دردها و مرض گردد دوا
 اندر اینجا آیتی کآورده نقل بر تفکّر می‌برد اصحابِ عقل

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَقَّاهُمْ ۚ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّرَدُّ اِلٰى اَرْضٍ لِّاَلْعُمُرِ لَكُمْ لَا يَعْلَمُ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۚ
 اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ

ذاتِ ایزد که شما را آفرید هم بمیراند شما را آن فرید
 جمعی را از بین مردم کرده پیر تا فراموشی بیابند در ضمیر
 آگه و داناست آن ذاتِ خدا اوست قدیر و مقتدر، لاینتهی

وَاللّٰهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلٰی اَبْغَضٍ فِی الرِّزْقِ ۚ فَمَا الَّذِیْنَ فَضَّلُوْا بِرَادِیْ رِزْقِهِمْ عَلٰی مَا مَلَكَتْ
 اَیْمَانُهُمْ فَهُمْ فِیْهِ سَوَآءٌ ۚ اَفَبِنِعْمَةِ اللّٰهِ یَجْحَدُوْنَ

بعضی را حق داده بر بعضی فزون از شما در رزق و اموال، گونه‌گون
 لیک آنها که کنون والاترند مالِ خود انفاق نکرده، مضطربند
 می‌شوند ایشان مساوی در نظر؟ که بوند از زیردستان بی‌خبر
 می‌کنند انکارِ نعمت‌های حق؟ ناسپاسند و نباشند مستحق

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِیْنَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِّنَ
 الطَّیِّبَاتِ ۚ اَفِی الْبَاطِلِ یُؤْمِنُوْنَ وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ یَكْفُرُوْنَ

هم ز جنستان خدا آورد پدید جفت‌ها از بهرتان او آفرید
 او برون آورده فرزند از زنان از پسرها و نوه، هم دختران
 داده روزی همچنین از طیبات بر شما از بهر زیستن در حیات
 مردمان پس راه باطل می‌روند؟ بر چنین انعام حق کافر شوند؟

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

﴿۷۳﴾

می‌پرستند از خطا غیر از خدا که ندارند هیچ در ارض و سما
 نه به روزی کسی دارند توان و نه هست هیچ اختیاری بهرشان

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

﴿۷۴﴾

پس نسازید بهر ایزد هیچ مثال یا دهید نسبت سخن‌ها از خیال
 حق بود آگاه ز فعل و حرفتان لیک شما ناآگهید از ربّتان

﴿۵﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّْا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا ۖ هَلْ يَسْتَوُونَ ۚ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

﴿۷۵﴾

حق بیارد یک غلامی بر مثل که ندارد قدرت و مال در عمل
 هم ز یک آزاده‌ی نیکوخصال که به او دادیم رزق اندر کمال
 کاو کند انفاق، پنهان و عیان این دو کس یکسان بوند در
 کارشان؟

هست سپاس مخصوص ذاتِ کردگار لیک اکثر غافلند در روزگار

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا
 يُوَجَّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ ۖ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

باز گوید حق، دو مردی در مثل
هست و بالِ گردنِ مولای خویش
هست آیا او مساوی با کسی
آن که اندر زندگی او بی‌خطاست
اولی، لال است و عاجز از عمل
او به هیچ کاری نیارد سود پیش
که دهد امر بر عدالت او بسی؟
راهِ خود پوید همی در راه راست

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ ۖ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هست مخصوص خدا روی یقین
ساعت و وقتِ قیامت از نشان
بلکه از آن هم بود نزدیک‌تر
علمِ غیب اندر سماوات و زمین
هست مثالِ پلک زدن اندر زمان
قادر است بر آن خدای دادگر

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۚ
لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

حق تعالیٰ بر شما بخشید جان
که ز هیچ چیزی نداشتید آگهی
چشم و گوش و قلبتان بنمود عطا
کردتان خارج زِ بطنِ مادران
تا رسیدید بر سرای زندگی
تا مگر شاکر بگردید بر خدا

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

هیچ نمی‌بینند آیا مرغکان؟
که به پرواز کرده تسخیر آسمان

جز حق ایشان را نمی‌دارد نگاه مؤمنان را این نشانیست از اله

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ

﴿۸۰﴾

خانه‌ها حق دادتان بس استوار
تا در آن گیرید آرام و قرار
همچنین داد از چهارپا پوست نرم
تا کنید خیمه به پا، محفوظ و گرم
در سفرها و به روز حمل و نقل
بر شما گردد سبک از روی عقل
و ز پشم و گرک و موی جملگی
ساخته اسباب و اثاث زندگی
هم لباس و زینت و ابزار حس
تا زمانی که بگردند مندرس

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظَلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُم سَرَائِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَائِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ كَذٰلِكَ يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ

﴿۸۱﴾

بر شما اعطا نمود ذات فرید
سایه‌ای از آنچه را که آفرید
کوه قرار داد بهرتان آن ذوالجلال
که پناه گیرید در غار و جبال
پوششی نیز داد ز پارچه بهرتان
تا شوید از گرمی و سرما امان
هم ز آهن جوشنی چون پیرهن
در نبردها از برای حفظ تن
نعمتش را حق تمام بنمود چنین
تا مگر مسلم بگردید از یقین

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

﴿۸۲﴾

ای رسولا! با وجود این نعم
گر بگردانند رو از تو اُمم
دور گردند تا مگر یابند فراغ
بر تو تکلیفی نباشد جز بلاغ

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ

نعمتِ حق را شناسند این گروه باز انکار آورند از هر وجوه
اکثر از ایشان که جمله کافرند پیرو نفسند و با حق دشمنند
وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

اندر آن روز که برانگیزیم ما بهر هر قوم شاهدی را برملا
اذن ندارند کافران گویند باز تا بیارند عذرهایی از مجاز
وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

آن زمان که ظالمان بیند عذاب هیچ تخفیفی نباشد بر عذاب
هم نه دیگر مهلتی از بهرشان این چنین است عاقبت فرجامشان
وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ
فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ

تا ببینند مشرکان اصنام خویش بر خدا گویند به احوال پریش
آن خدایان، که گرفتیم جای تو عاجزند و این چنین رسوای تو
آن خدایان دروغین در جواب پاسخی گویند به حال اضطراب
که شما باید خود ز قوم کاذبان بس دروغ رانید ز این گونه بیان

وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

سر فرود آرند آن روز، خوار و زار بر قبولِ خواسته‌ی پروردگار
می‌شود محو هر دروغ و افترا آنچه را خواندند شریکی بر خدا

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ

﴿ ۸۸ ﴾

آن کسان که گشته‌اند از کافران هم شدند سد در ره ربّ جهان
ما عذابی می‌دهیم فوقِ عذاب سوی این اهلِ فساد روزِ حساب
کان عذاب‌ها دائماً گردد زیاد زان عمل‌ها و خطایا و فساد

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا
عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

﴿ ۸۹ ﴾

اندر آن روز بهر هر یک اُمّتی ما برانگیزیم گواه و حجتی
هم تو را آریم رسولا! پیشگاه تا بر این اُمّت بگردی تو گواه
بر هدایت این کتاب دادیم ما آیه‌ها روشنگر و هم رهنما
بهر هر چیزی به تحقیق و یقین رحمت و مژده بود بر مسلمین

﴿ ۹۰ ﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

﴿ ۹۰ ﴾

امر کند بر عدل و نیز احسان خدا همچنین ایثار به خویشان و عطا
می‌کند نهی از گناه و کارِ زشت هم ستمکاری و منکر را نوشت
با تذکر حق دهد پندِ گران تا مگر یابید توجه اندر آن

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ
كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

هم به عهدهی که ببستید با خدا باوفا باشید، نگردید زو جدا
 چون گرفتید ضامن و ناظر خدا بهر سوگند و قسم و مدعا
 چون بخوردید آن قسم‌ها استوار مشکند سوگند خود بر هر قرار
 آگه است از جمله پندار شما همچنین از فعل و گفتار شما

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهُمَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَارًا تَتَخَذُونَ آيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ
 أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ ۚ إِنَّمَا يَبُلُوكُمْ اللَّهُ بِهِ ۚ وَلِيَبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ
 تَخْتَلِفُونَ

هم نباشید چون زنی که نخ ببافت در نهایت هر چه را بافته شکافت
 از قسم‌ها که بخوردید پُرفروغ زو خیانت پیش نیارید با دروغ
 که مگر یابید تفوق زین عمل با شکستن بر قسم سازید دغل
 غیر از این نبود که ذاتِ مستعان می‌نماید بر قسم‌ها امتحان
 تا ز آنچه که خیانت کرده نیز برشمارد بر شما در رستخیز

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا
 كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

گر اراده داشت ایزد این‌چنین می‌نمود واحد ملل را در زمین
 لیک خواهد تا ضلالت طی کند جاهلانی که بخواهند کج روند
 هم بخواهد او هدایت بهرشان هر که را که رهنما شد ربّشان
 جمله پرسیده شوند روزِ عقاب کار نیک و کار بد گردد حساب

وَلَا تَتَّخِذُوا آيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ
 سَبِيلِ اللَّهِ ۚ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

پس مسازید جمله سوگند و قسم مایه‌ی تزویر در کار، بیش و کم
 چون بلغزد گام‌ها زین زشت‌کار بعد از آنکه گشته بوده استوار
 زین عمل مسدود نمایید راه حق بر ضلالت پس بگردید مستحق
 سهمتان گردد پشیمانی و بیم که بود آن از عذاب‌های عظیم

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

عهد و پیمانی که بستید با اله هیچ مفروشید به اندک، هیچ‌گاه
 آنچه در نزد خدای عالم است بهرتان گر که بفهمید اعظم است
 مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ ۖ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۚ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ

فانی گردد هر چه که نزد شماست باقی ماند آنچه در نزد خداست
 صابران را اجر دهیم بهتر ز آن که به جا آورده‌اند اندر جهان
 مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ
 بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هر که نیکی کرد ز مردان و زنان گر که باشد او ز جمع مؤمنان
 ما ببخشیم بهر او زین بندگی پاکی و پاکیزگی در زندگی
 زانچه بنموده عمل اندر جهان اجر بیشتر می‌دهیم ما جای آن

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

پس چو خوانی تو ز قرآنِ کریم بر پناه، بر حق، ز شیطانِ رجیم
 إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

او ندارد سلطه‌ای بر مؤمنان که به حق دارند توکل بی‌کران
 إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ

سلطه‌ی شیطان فقط از بهرِ اوست که بگیرد آن پلید را یار و دوست
 یا بر آنهایی که از جهلِ گران شرک ورزند بر خدای مهربان
 وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ ۖ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

آیه‌ای را چون بدل سازیم ما آوریمش جای هر یک آیه‌ها
 گر ز حکمی جایگزین گردید نسق آگه است از حکمتِ آن ذاتِ حق
 لیک گویند از عناد، آن افتراست گر چه آنچه تو بگویی از خداست
 بل ندانند مردمی از این قبیل علت اثبات یا فسخ را دلیل
 قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

گو فرود آورد، ز ربم این پیام آن که را روح‌القدس می‌بوده نام
 در صراط‌المستقیم بهر نجات تا که بخشد مؤمنان را او ثبات

هم بشارت بر علو و اعتلاست مسلمین را سوی ایزد رهنماست
وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ
عَرَبِيٌّ مُّبِينٌ

﴿۱۰۳﴾

ما بدانیم، آنچه را گویند ز کین در خصوص جمله آیاتِ مُبین
که بیاموزد کسی از مردمان بر تو این مطلب ز آیاتِ روان
آن کسی را که به او نسبت دهند هست از قوم عجم بی چون و چند
آیه‌ها واضح بود در حدّ تام تازی و لفظِ عرب باشد کلام
إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۱۰۴﴾

آن کسانی که به آیاتِ اله هیچ نگشته مؤمن و رفته تباه
نیست هادی بهر ایشان ذاتِ حق بر عقوبت‌های سنگین مستحق
إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ

﴿۱۰۵﴾

هر که از بُهتان و کذبِ بی‌فروغ بر خداوندِ جهان بندد دروغ
جمله می‌باشند بی‌ایمان یقین بر کلامِ حقّ و آیاتِ مُبین
آن دروغ‌گویانِ خوارِ بس زبون می‌شوند ملحق به جمعِ کاذبون
مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ
صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

﴿۱۰۶﴾

بعدِ ایمان هر که کافر شد به حق نی که از اجبار گوید نابحق
مطمئن بوده ز قلب و از نهان کرده با اکراه چنین حرفی بیان
لیک آن کس که خودش با اختیار گشته است کافر به ذاتِ کردگار
برده کفران را به قلب و سینه‌اش سوی حق در دل نهاده کینه‌اش
بهرِ او خشم خدا گشته نصیب سخت عذابی او ببیند از حسیب

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

﴿۱۰۷﴾

بهر این بینند غضب که این جهان داده ترجیح بر سرای جاودان
نیست هدایت از خدای مهربان بهر این قوم پلیدِ کافران

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمِعَتْهُمْ وَأَبْصَارِهِمْ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

﴿۱۰۸﴾

این گروهند که خداوند مهر نهاد بر قلوب و گوش و چشمِ پُرعناد
بر خطا رفتند زِ جهلِ بی‌کران بی‌خبر هستند زِ حق آن غافلان

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

﴿۱۰۹﴾

زین سبب باشند اندر آخرت سخت زیانکار و نبینند مغفرت

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا قُتِلُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۱۱۰﴾

پس خدایت یاور است بس آشکار بر مهاجر سوی راهِ کردگار

بعدِ زحمته‌ها و رنج‌های زیاد آمدند آنکه زِ جانِ سوی جهاد
در همه حالی شکوبا بوده‌اند صبرها در راه یزدان کرده‌اند
بهرشان زین بعد، خلاقِ کریم گشته بخشنده و می‌باشد رحیم

﴿يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

﴿۱۱۱﴾

یادی آور تو زِ روزِ رستخیز هر کسی با خود همی آرد ستیز
می‌شود اعطا به هر کس از احد آن جزای کارِ نیک یا کارِ بد
مستحقّند و نبینند بیش و کم بر کسی وارد نمی‌آید ستم

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ
اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

﴿۱۱۲﴾

زد خداوندت مثالی این‌چنین مردمی با اهل بودند و متین
ایمن و آسوده اندر آن مکان با فراخِ رزق و فارغ از زیان
لیک شدند ناشکر بر انعامِ حق ایمنی رفت و به کفران منطبق
وحشتِ وافر بر ایشان شد وقوع هم چشیدند مزه‌ی قحطی و جوع

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ

﴿۱۱۳﴾

آمد ایشان را زِ جمع خود رسول از ره تکذیب نکردند هیچ قبول
پس فرا بگرفت ایشان را عذاب چون ستم‌هایی نمودند بی‌حساب

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

﴿۱۱۴﴾

پس خورید از آنچه حق، ای داده پاک و هم حلال از بهرتان مؤمنان!

شکرِ نعمت‌های او آرید به جا گر که هستید بنده‌ی پاک خدا

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ^طفَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۱۱۵﴾

بر شما ای بندگان! باشد حرام مرده و خون، گوشتِ خوک حدِّ تمام

یا که هر حیوانی را که کشته‌اند
لیک اگر افتد کسی در اضطرار
می‌تواند میل نماید زان حرام
لیک بود مشروط که قصدش بالمال
ذات پاک ایزدی هست بی‌گمان
نام ایزد قبل از آن نابرده‌اند
که گرسنه هست و رفته زو قرار
قدر سدِّ جوع خورد از آن طعام
نیست تجاوز بر حرام و بر حلال
بهر مخلوقات غفور و مهربان

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يَفْلِحُونَ

﴿۱۱۶﴾

هم مرانید آن دروغ اندر کلام
گر ببندید این‌چنین کذب بر اله
زین عمل هرگز نمی‌بینید یقین
که بگویید این حلال و آن حرام
مثل آنان که بیستند از گناه
رستگاری و نجات در واپسین

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۱۱۷﴾

هست متاع اندکی از بهرشان
لیک عذاب‌های آلیمی سهمشان

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

﴿۱۱۸﴾

بهر آنها هم که می‌بودند یهود شد حرام عیناً همین حدّ و حدود
آنچه قبلاً بر تو بنمودیم بیان ما مقرر کرده بودیم بهرشان
ما نکردیم بهر ایشان هیچ ستم بلکه آنها ظلم بنمودند به هم
ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ
بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۱۱۹﴾

ربّ تو، بر هر کسی کرده گناه کز خطا بوده، ز جهل و اشتباه
توبه آرد گر که از آن زشت کار حق ببخشد او و گردد رستگار
می‌پذیرد توبه را بعد از گناه هست غفور و مهربان، ذاتِ اله
إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

﴿۱۲۰﴾

بود ابراهیم، مطیع بر کردگار پیشوای قوم خود، هم استوار
قدر او می‌بود به قدر اُمّتی در ره توحید و وحدت ملّتی
او موحد بود و کامل در یقین هم نبود هرگز ز جمع مشرکین
شَاكِرًا لِلْأَنْعَمِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

﴿۱۲۱﴾

شاکرِ انعامِ رب بود در کمال هر چه آمد بهر او از ذوالجلال
بر رسالت حق گزید نیز ابراهیم یافت هدایت او به راهِ مستقیم

وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

﴿۱۲۲﴾

بهر او دادیم به دنیا بهترین هم بشد در آخرت از صالحین

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۖ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

﴿۱۲۳﴾

وحی فرستادیم تو را ما بعد از این پیروی کن، کیش ابراهیم و دین
متقی گردید چو از دین حنیف هم نشد مشرک ز افکارِ سخیف

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا
كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

﴿۱۲۴﴾

بر یهود نیز آیتی آمد تمام روز شنبه را بدادیم احترام
لیک برپا می نمودند اختلاف با بسی حرفِ گزاف و هم خلاف
بین ایشان ربّ تو در رستخیز حکم فرماید بر آن اهل ستیز

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۚ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ
هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

﴿۱۲۵﴾

سوی ربّت دعوت آور ای رسول! موعظه کن روی حکمت و اصول
با کلامِ حُسن، جدل کن سر به سر که ز پند و نقل تو بینند اثر
ربّ تو آگه بود بر گمراهان که برفتند بر خطا در راهشان
همچنین آگه بود بر آن گروه که هدایت یافتند از هر وجوه

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ ۖ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ

بر شما گر کس نمود ظلمی تمام پس در آن حد نیز بگیرید انتقام
 لیک اگر صبر آورید بر جای کین اجر دهد بیشتر خدا بر صابرین
 وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ

باش شکوبا و صبور اینک نبی! تا شود راضی خداوندت همی
 هیچ مخور غم از گروه دشمنان که نمایند فتنه‌هایی بی‌کران
 در قبال مکرِ این کفارِ پست حق نگهدار تو و او یاور است
 إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

هست ایزد با همه اهلِ یقین که بوند اندر صفوف متّین
 همچنین نیکان و جمعِ مُحسِنین یآوری از حق ببینند اجمعین